



مردی پس از سی سال ازدواج کرد!

در سال ۱۹۸۳، دوستان آقای "فارست لانزوی" "Forrest Lunsway" و "خانم رز پولارد" "Rose Pollard" یک مهمانی ترتیب دادند و امیدوار بودند که این دو نفر از هم خوششان بیاید و با هم ازدواج کنند. "فارست" دو بار بیوه شده بود و "رز"، شوهرش را در اثر بیماری طولانی و دردناکی از دست داده بود و اصلاً قصد نداشت دوباره ازدواج کند. او فقط می خواست تنها باشد.



اما تقدیر چیز دیگری را رقم زده بود و آنها از هم خوششان آمد و قرار گذاشتند تا یکدیگر را بیشتر ببینند و با یکدیگر بیشتر آشنا شوند. هر چند خانه آنها ۶۴ کیلومتر از هم فاصله داشت، اما تلاش کردند تا یکدیگر را به طور منظم ببینند. بمدت بیست سال آقای "فارست" برای دیدن رز در یک زمان معین به شهر او می رفت و بعد همان شب به خانه بر می گشت.

تا اینکه بالاخره در سال ۲۰۰۳، آقای "فارست" در یک روز دل انگیز خانم رز را به ساحل "کاپیسترانو" برای صرف عصرانه دعوت کرد و سپس به او پیشنهاد ازدواج داد. خانم "رز" پیشنهاد او را جدی نگرفت زیرا "فارست" ۹۰ ساله و او ۸۰ ساله بود. اما بعد کمی راجع به پیشنهاد "فارست" فکر کرد و موافقت کرد که زمانی که "فارست" ۱۰۰ ساله شود با او ازدواج کند! آقای "فارست" سر جایش خشکش زد اما شرط خانم "رز" را پذیرفت!

ده سال دیگر هم گذشت و آقای "فارست" بالاخره ۱۰۰ ساله شد و حالا نوبت آن رسیده بود تا خانم "رز" ۹۰ ساله به قول خود عمل کند. مراسم ازدواج این زن و شوهر در هتلی زیبا در نزدیکی اقیانوس آرام برگزار شد و صاحب هتل زیباترین اتاق رو به دریا را برای ماه عسل به عنوان هدیه عروسی در اختیار آنان گذاشت. از سراسر جهان تهریکات فراوانی برای آنان ارسال شد و حتی رئیس جمهور باراک اوباما و بانوی اول میشل اوباما نیز برای آنان آرزوی خوشبختی و پیروزی کردند!

۸۱ سال زندگی مشترک!

"آن" "Ann" دختری سوری و ۱۷ ساله است! او زمانی که پدر و مادرش از سوریه به آمریکا مهاجرت کردند، متولد شده است. "جان" پسر ۲۱ ساله است و هر دو نفر در یک محله بزرگ شده اند. وقتی آنان دبیرستانی شدند، والدین "آن" او را به دبیرستانی در ایالت "کانکتیکات" بردند. والدین "آن" بخصوص پدرش برنامه ریزی کرده بودند که "آن" با کسی که ۲۰ سال از او بزرگتر است ازدواج کند. اما "آن" نپذیرفت و به شهر نیویورک فرار کرد. در همین زمان "جان" هم به همان شهر آمد. این دو با هم برخورد کردند و از هم خوششان آمد و تصمیم به ازدواج گرفتند. این پرندگان عشق شاهد تغییرات بسیاری در جهان گشتند. از تحولات باورنکردنی اقتصادی تا جنگ خانمان برانداز جهانی دوم و پس از آن دوران طلایی رشد اقتصادی اروپا و آمریکا!



در ۲۴ نوامبر ۲۰۱۳، "جان" و "آن" هشتاد و یکمین سالگرد ازدواج خود را جشن گرفتند. این زن و شوهر در سال ۲۰۱۳ پنج فرزند و ۱۴ نوه داشتند که آنها نیز مجموعاً ۱۶ فرزند داشتند. هم اکنون جان، ۱۰۲ ساله و آن، ۹۸ ساله است و رکورد طولانی ترین ازدواج را در تاریخ ایالات متحده آمریکا برای خود ثبت کرده اند.

با هم از تولد تا مرگ!

"لس براون" "Les Brown" و همسرش "هلن" "Helen" هر دو در ۳۱ دسامبر ۱۹۱۸ متولد شدند. آنان هر دو در یک محله بزرگ شدند. هنگامی که آنها دبیرستانی بودند یکدیگر را شناختند و از هم خوششان آمد. آقای "لس" از خانواده ای بسیار پولدار بود، در حالی که خانواده ای هلن از طبقه کارگر بودند، بنابراین پدر و مادرشان از این علاقه به وجود آمده میان آنان ناراضی بودند و دائماً در



گرفتند. این پرندگان عشق شاهد تغییرات بسیاری در جهان گشتند. از تحولات باورنکردنی اقتصادی تا جنگ خانمان برانداز جهانی دوم و پس از آن دوران طلایی رشد اقتصادی اروپا و آمریکا!

خانواده‌ها در مورد این موضوع بحث و جدل می شد. اما به محض این که آنان ۱۸ ساله شدند و به سن قانونی رسیدند تصمیم گرفتند تا با یکدیگر ازدواج کنند. آنها برای آنکه خانواده شان مزاحم زندگی آنان نشوند، زندگی خود را در جنوب کالیفرنیا تشکیل دادند تا از هیاهو و جنجال بدور باشند. آنها هر روز عمرشان را با هم سپری کردند و حتی در ۹۰ سالگی هم یک زن و شوهر فعال و سالم بودند.

در پایان روزهای خوش زندگی آنان "هلن" مبتلا به سرطان معده گشت و "لس" از بیماری پارکینسون رنج می برد. پس از گذشت ۷۵ سال ازدواج، "هلن" در تاریخ ۱۶ ژوئیه ۲۰۱۳ جان داد و "لس" هم در روز بعد در گذشت!

مردی که با یک جسد ازدواج کرد!

هیچ صدای ساز و آوازی نبود. هیچ ماه عسلی در کار نبود و هیچ فرصتی برای خوشبختی وجود نداشت. فقط یک عروسی وحشتناک بود که به صورت یک مراسم تشییع جنازه برگزار می شد!



در سال ۱۸۸۱ در فلوریدا، مردی به نام "برادلی" با یک جسد ازدواج کرد! او فروشنده ای از ایالت "یوتای" آمریکا بود. او همسر رویاهای خود را در سفری پیدا کرد. اما افسوس که او معتاد به مواد مخدر و در حال مردن بود.

اما آقای "برادلی" این مسئله را نادیده گرفت و به او پیشنهاد ازدواج داد و او هم پذیرفت. آقای "برادلی" سریعاً شروع به ترتیب ازدواج خود با همسرش کرد اما متأسفانه همسر او پیش از مراسم عقد جان باخت!

اما "برادلی" به همسرش پیش از مرگ قول داده بود که اجازه نخواهد داد که وی بدون آنکه ازدواج کند دفن شود. به همین منظور بر تن جسد همسرش لباس عروس پوشانده و او را مانند یک عروس آرایش کردند و تابوت وی را به کلیسا بردند و کشیش در حضور حضار مراسم عقد را جاری ساخت. زمانی که کشیش آنان را زن و شوهر اعلام کرد برادرزاده‌های خانمش تابوت او را روی دوششان گذاشتند تا او را برای دفن به گورستان ببرند!

فقط دل است که اهمیت دارد!

اندازه که مهم نیست! بلندی و کوتاهی که فرقی ندارد. مهم علاقه دو طرف است! آقای و خانم "هدی" این مسئله را به شما اثبات می کنند. قد آقای "هدی" بیش از ۱۸۰ سانتیمتر است. خانم "هدی" اما ۸۰ سانت است. ولی با این حال آنان در مقابل چشمان بهت زده همگان در سال ۱۸۹۱ در "ساوت شیلد" ازدواج کردند!



جالب این است که ساقدوشهای بسیار بلند قدی خانم "هدی" را همراهی می کردند! بلند قدترین آنان مردی با قد ۲۳۰ سانتی متر بود. اما از مهمانان برایتان بگویم یا بسیار بلند بودند که برای دیدن آنان دیگران گردنشان را تا آنجا که می توانستند باید رو به بالا خم می کردند یا بسیار کوتاه بودند که می بایستی چانه شان را به سینه شان می چسباندند تا آنها را زیر پایشان ببینند. جالب آنست که یکی از مهمانان فقط ۶۰ سانتیمتر بود!

پزشکان دم را پیدا نکردند!

مردی به بیمارستانی در چین آمد و می گفت گوشش به شدت درد می کند. پزشکان پس از معاینه و عکسبرداری یک مارمولک را از گوش او خارج کردند! بیمار در شهر "گوانگژو" در استان "گوانگدونگ" چین زندگی می کند. پزشکان برای خارج کردن مارمولک، مجبور شدند آن را بیهوش کنند تا مانع از رسیدن او به مغز سر او شوند. پس از آن، پزشکان به سرعت خزنده را از گوش مرد بیرون کشیدند و متوجه شدند که مارمولک دم ندارد! پزشکان باز هم داخل گوش مرد را گشتند اما اثری از دم پیدا نکردند و معلوم نیست چه اتفاقی برای دم مارمولک افتاده است!



مردی به بیمارستانی در چین آمد و می گفت گوشش به شدت درد می کند. پزشکان پس از معاینه و عکسبرداری یک مارمولک را از گوش او خارج کردند! بیمار در شهر "گوانگژو" در استان "گوانگدونگ" چین زندگی می کند. پزشکان برای خارج کردن مارمولک، مجبور شدند آن را بیهوش کنند تا مانع از رسیدن او به مغز سر او شوند. پس از آن، پزشکان به سرعت خزنده را از گوش مرد بیرون کشیدند و متوجه شدند که مارمولک دم ندارد! پزشکان باز هم داخل گوش مرد را گشتند اما اثری از دم پیدا نکردند و معلوم نیست چه اتفاقی برای دم مارمولک افتاده است!